

نظر گرفت که راهکار آن - یعنی دستیابی به پول قدرتمند - تنها از طریق ارتقای سطوح تولیدی و صادراتی کشور و اجرای سیاست‌های پولی و مالی مناسب (و تعادلی) به دست می‌آید.

ارز دولتی، سیاستی نابجا

یکی دیگر از سیاست‌های ارزی کشورمان که انتقادات فراوانی بر آن وارد است، وجود ارز دولتی است. هرچند این سیاست، مدت‌زمانی است که به صورت آشکار در اقتصاد دولتی ایران به چشم نمی‌خورد، اما بهره‌مندی برخی شرکت‌های دولتی نظیر شرکت ملی نفت جهت واردات بنزین و سازمان‌های دیگر دولتی از ارز بسیار ارزان‌تر از ارز مبادله‌ای بازار، سبب انتقادات فراوانی شده است. دلیل آن هم کاملاً روشن است، چراکه با پایین آوردن صوری هزینه‌های شرکت‌های دولتی، علاوه بر آن که دولت بی‌دلیل حاشیه سود شرکت‌های مذکور را افزایش می‌دهد، با کسر منابع ارزی و ریالی خزانه کشور، آثار نامناسبی بر بودجه، صندوق ذخیره ارزی و در نتیجه تولید و تورم کشور بر جای می‌گذارد.



علاوه بر این، اختلاف سود صوری که در حساب‌های شرکت‌های دولتی و شبه دولتی کشورمان به وجود می‌آید، سبب می‌شود هیچ‌گاه تعادل بازار رقابتی در میان شرکت‌های خصوصی و دولتی، به وجود نیاید و همین مسأله، سنگینی کفه ترازو را به نفع سازمان‌ها و اداراتی رقم می‌زند که بهره‌وری مناسبی ندارند و در نتیجه، بسیاری از پتانسیل‌های صادراتی کشور از توان بخش خصوصی کارآمد خارج می‌شود. بر این اساس، قطع کمک‌های بودجه‌ای به سازمان‌ها و مراکز بی‌بازده دولتی - همچون ارزهای ارزان‌قیمت - و در عوض پرداخت ارز واقعی به صادرکنندگان بخش خصوصی از مهمترین سیاست‌های ارزی است که می‌تواند به رشد اقتصاد ملی کمک شایانی نماید. ■

تضعیف موقعیت اقتصادی-تجاری کشورمان در عرصه بین‌المللی می‌شود که قابل برگشت هم نیست. بدون شک تضمین ثبات اقتصادی کشور در نظام بین‌الملل به هیچ وجه از این طریق میسر نخواهد شد. همچنین خالی از لطف نخواهد بود که بدانیم اقتصاددانان همواره در بررسی‌های تراز پرداخت‌ها، عدم تنزل نرخ واقعی

ارز را مهمترین سیاست ارزی دانسته و راه حل آن را در برقراری رابطه‌ای متناسب مابین تورم داخلی و خارجی برمی‌شمارند. از سوی دیگر، پیروی از چنین سیاست‌هایی فرار سرمایه را به دنبال دارد.

اما نرخ ارز در ایران، علاوه بر تورم، تابعی از متغیرهای دیگری چون حجم نقدینگی موجود در کشور، بودجه و مباحث مربوط به کسری آن، قیمت جهانی نفت و همچنین خالص ورودی سرمایه به کشور است که با اجماع کلیه موارد فوق درمی‌یابیم نرخ ارز کنونی به هیچ‌وجه در

حد تعادل بازار نبوده و یا به بیان دیگر غیرواقعی است و متأسفانه این نرخ غیرواقعی ارز، سبب تخصیص غیربهبه منابع در اقتصاد خواهد شد. دلیل آن هم کاملاً مشخص است؛ هنگامی که نرخ ارز در کشور پایین‌تر از حد تعادلی خود باشد، مزیت‌های صادراتی کشور به اشتباه به سمت واردات سوق پیدا می‌کنند که البته عکس آن هم صادق است، چراکه حتی اگر این نرخ بالاتر از حد طبیعی خود قرار بگیرد، مزیت‌های وارداتی کشور - نظیر واردات کالاهای اولیه و سرمایه‌ای - به اشتباه به عنوان مزیت‌های کشور در جهت تولید قرار می‌گیرند که در هر دو حالت با تأثیر خود بر نوسان واردات و صادرات، تأثیرات منفی بسیاری بر تورم جامعه و در نتیجه معیوب شدن هرچه بیشتر نظام اقتصادی کشور خواهد داشت. به هر حال، اگرچه امروزه توجه به صادرات اهمیت به مراتب بیشتری در مقایسه با تقویت پول ملی دارد، اما ارتقای ارزش پول ملی نیز نکات مثبتی دارد و آن را هم می‌باید در

ریال جدید!

صفرهای بی‌گناه!

بحث حذف صفرها از پول ملی، شاهد زنده‌ای از سیاست‌های نادرست و بی‌انضباطی‌های دولت‌ها پس از انقلاب است.

حذف صفر از پول ملی از مباحثی به شمار می‌آید که مدت مدیدی است در اقتصاد ملی مطرح بوده و این روزها یک بار دیگر موضوع گفت‌وگوهای بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی و حتی عموم مردم شده است. این که اصلاً حذف صفر از ریال، به کاهش تورم منجر خواهد شد یا نه، پرسشی است با پاسخ‌های متفاوت و در برخی موارد، متناقض.

در پاسخ به این سؤال باید توجه داشت که با کاهش یک، دو و یا سه صفر از ریال - در صورتی که قیمت تمام کالاها در سطح کلان کاهش نیابد - طبیعی است که هیچ تغییری در موازنه پولی جامعه و در نتیجه نرخ تورم داخلی به وجود نخواهد آمد. سالیان سال است که اکثر قریب به اتفاق مردم ایران به جای

استفاده از واحد ریال از کلمه تومان استفاده می‌کنند و این به معنای حذف یک صفر از پول رایج ملی در کشور است، اما هیچ‌گاه این امر به معنای کاهش تورم پولی در جامعه نبوده است.

سؤال دیگر آن که چرا با وجود چنین برهان ساده‌ای که بی‌گمان اقتصاددانان کشور نیز از آن آگاهند، کماکان بحث حذف صفر از ریال ادامه دارد و حتی صحبت از تصویب طرح آن در آینده‌های نزدیک است؟ در پاسخ، باید به حساب مخارج و درآمد دولتی و بانک مرکزی و سهولت حسابداری در جامعه رجوع کرد، چرا که با کاهش تعداد صفر از ریال و خلق واحد پولی جدید، حجم پولی مبادلات کشور به صورت اسمی کاهش می‌یابد و در نتیجه دولت در سال مالی خود، هزینه

کمتری برای چاپ پول پرداخت خواهد کرد که وقوع این مسأله در سطح کلان، بر کاهش مخارج بانک مرکزی و در نتیجه کسری بودجه مؤثر خواهد بود. با توجه به این مسأله بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند که در صورت تنزل کسری بودجه از این کانال از تورم درون جامعه کسر خواهد شد، اما این نوع نگرش و تحلیل از مقوله حذف صفر به معنای پاک نمودن صورت مسأله است، چراکه به طور حتم، این کاهش کسری بودجه، اثری در کاهش مخارج جاری دولت - به دلیل عدم تغییر واقعی قدرت خرید و اشتغال دولتی - و به دنبال آن تنزل تورم به بهانه کاهش تقاضای نقدینگی نخواهد داشت. به علاوه، اگر دولت با عدم اتخاذ رویکردی اقتصادی و کارشناسی نسبت به این طرح، توهم کاهش تورم ناشی از نقدینگی را در سر بپروراند و به بهانه آن، بدون کاهش مخارج جاری خود، مخارج عمرانی را در جامعه افزایش دهد، قطعاً سیاست مأخوذه، به جای کاهش تورم به افزایش تورم منتهی خواهد شد.

در حال حاضر، بسیاری از کارشناسان اقتصادی از تجربه کشورهایی نظیر آلمان و ترکیه سخن به میان می‌آورند که در این راستا، باید به این نکته توجه داشت

یک پیشنهاد برای برون‌رفت

اتحاد "بانک و مالیات"

کاهش نرخ مالیات و افزایش همزمان نرخ‌های بهره می‌توانند به‌عنوان یک پیشنهاد برای ثبات نرخ تورم، کاهش فرار سرمایه و تقویت ارزش پول ملی مطرح باشند.

براساس برآورد هیأت چشم‌انداز ماهنامه، معادل ۲۹/۷۶ درصد بوده که در همین بازه، نرخ برابری ریال به دلار معادل ۹/۲۴ درصد رشد داشته است.

در راستای آسیب‌شناسی معضل مذکور، سیاست غلط پولی نمودن بدهی‌های دولتی را می‌توان مهمترین عامل این امر دانست، چراکه رشد چاپ پول جهت جبران کسری بودجه - که بر اساس گزارش کارشناسان ماهنامه، تنها طی ۴ سال گذشته ۸۹/۰۸ درصد افزایش داشته - تأثیر بسزایی در گسترش تورم و به تبع آن کاهش ارزش پول ملی داشته است.

از آنجا که رشد نرخ ارز، خود عاملی است که به افزایش ارزش صادرات می‌انجامد، این سؤال پیش می‌آید که تقویت ارزش ریال اهمیت بیشتری دارد یا تشویق صادرکنندگان؟

قبل از ادامه بحث باید به این نکته اشاره کرد که کاهش ارزش پول و یا همان رشد نرخ ارز، تنها زمانی مثمر ثمر خواهد بود که اقتصاد کشور از ظرفیت‌های بالقوه آماده به تولید برخوردار باشد که متأسفانه در اقتصاد ایران با این وضعیت رویه‌رو نیستیم. لذا در راستای اتخاذ سیاستی که به تقویت ارزش ریال بی‌انجامد - به گونه‌ای که صادرکنندگان نیز متضرر نگردند - دولت می‌تواند از طریق بکارگیری سیاست جدید "بانک و مالیات" - که اجرای همزمان دو سیاست کاهش نرخ مالیات تولیدی و افزایش نرخ بهره بانکی است - به کاهش توأمان مالیات (از طریق بخشودگی‌های مالیاتی) و افزایش نرخ بهره بانکی دست بزند و از این طریق بتواند این مشکل را مرتفع نماید. مکانیزم اجرای سیاست مذکور به این صورت است که با کاهش مالیات، شاهد رشد تولید

در اقتصاد پرتکاپوی بین‌الملل امروز، برخورداری از پول قدرتمند از مسایلی است که تأثیر بسزایی بر قدرت اقتصادی هر کشور دارد. تأثیرپذیری و البته تأثیرگذاری متغیرهای کلان اقتصاد نظیر رشد، تورم و اشتغال، نمونه‌های مهمی از این مسأله هستند، به طوری که با افزایش تورم، قیمت کالای داخلی در رقابت با رقیب خارجی - به دلیل رشد هزینه‌های تولید - افزایش می‌یابد که این امر به صورت غیرمستقیم با تأثیر منفی خود بر درآمدهای صادراتی، باعث کاهش تزیق ارز به جامعه و در نتیجه، تنزل ارزش پول ملی خواهد شد. علاوه بر معضل فوق، به دلیل آن که کشورمان طی سالیان گذشته گهگاهی درگیر مسأله رکود تورمی بوده است، به طور حتم با کاهش تولید، شدت رکود تورمی در کشور بیش از پیش افزایش یافته و دولت برای مقابله با این مشکل و در جهت جبران فشار تورمی حاصل از آن، بالاچار به سیاست افزایش واردات روی می‌آورد که ماحصل این مکانیزم به کاهش مجدد ارزش پول ملی - به صورتی غیر مستقیم - خواهد انجامید که البته در سال‌های اخیر کم‌وبیش شاهد آن بوده‌ایم.

همچنین با افزایش تورم، به طور کاملاً طبیعی قدرت خرید ریال نیز کاهش می‌یابد که باعث توجیه‌پذیری بیشتر واردات و افزایش حاشیه سود واردکنندگان خواهد شد. این امر به نوبه خود منجر به افزایش تقاضای ارز و در نتیجه رشد نرخ ارز در بازار می‌شود. در نتیجه این فرآیند، ریال بیشتری برای خرید ارز پرداخت خواهد شد که این می‌تواند به صورت تسلسلی عمل کند. در این راستا، براساس گزارش واحد تحقیقات «اقتصاد ایران»، میانگین رشد تورم در کشور در سال‌های ۸۳ تا ۸۷

که کشورهای مذکور، پس از اتخاذ سیاست‌های نوین در اقتصاد و صنعت، در نهایت مشکلات پایه‌ای اقتصاد خود را مرتفع نمودند و برای تغییر کل نظام اقتصادی بیمار خود، واحد پولیشان را با حذف صفر تغییر دادند، در حالی که کشور ما در حال حاضر به دلایل بسیار روشن کوچک و بزرگ، همچنان با مسأله رکود تورمی دست و پنجه نرم می‌کند که عدم چاره‌اندیشی برای آن و صرف حذف پول از اقتصاد ملی، هیچ‌گاه درمانی برای درد تورم اقتصاد ایران نخواهد بود. علاوه بر این، همواره در اقتصاد ایران - چه قبل و چه بعد از انقلاب - بودجه بر پایه واحد ریال طراحی و تدوین شده که تعویض آن به واحدی جدید، به طور حتم اختلالات بسیار زیادی در کوتاه‌مدت در حسابداری ملی به وجود خواهد آورد. اما یکی از مسایلی که در جهت حذف و یا عدم حذف صفر از پول ملی باید به آن توجه کرد مسأله توانایی پول ملی در مبادلات رایج کشور است. در واقع، زمانی می‌توان به حذف صفر اقدام نمود که به دلیل وقوع تورم مثلاً ۳ رقمی (Hyper Inflation)، پول ملی توانایی پاسخ‌گویی به مبادلات اقتصادی را نداشته باشد که در این صورت، معمولاً مردم به دلیل تنزل شدید ارزش پول ملی از یک ارز بین‌المللی در مبادلات خود استفاده می‌کنند که خوشبختانه شاهد این وضع در ایران نیستیم.

در پایان باید به این نکته اشاره کرد که پس از برقراری واحد پولی جدید، احتمال وقوع یک شوک صوری روانی به اقتصاد کشور وجود دارد. این اتفاق، زمانی روی می‌دهد که افراد جامعه به تغییرات پولی رخ داده صرفاً به صورت عددی نگاه کنند نه نسبی، چرا که با حذف صفر و در واقع تغییر واحد پولی، قیمت کالاها از لحاظ عددی تغییر خواهند کرد، در حالی که تمام قیمت‌ها و همچنین دستمزدها به صورت نسبی هیچ تغییری نکرده‌اند. بنابراین نه می‌توان وقوع این توهم روانی را نادیده گرفت و نه می‌توان آن را حتمی دانست، اما در صورت بروز این پدیده، یک شوک صوری به اقتصاد کشور تزریق خواهد شد که البته در مدت کوتاهی این اثر از بین خواهد رفت. ■

برخی متغیرهای مرتبط با نرخ ارز

سال	تورم (درصد)	رشد واردات (درصد)	نرخ ارز (ریال)	تراز سرمایه (میلیون دلار)	رشد صادرات غیرنفتی (درصد)	بدهی خارجی (میلیون دلار)	رشد اقتصادی (درصد)	رشد نقدینگی (درصد)
۸۲	۱۸/۳	۳۴/۱۵	۸,۳۲۳	۴,۴۷۴	۲۵/۹۰	۱۷,۰۲۴	۷/۸	۲۶/۱۲
۸۳	۱۹/۵	۲۹/۲۲	۸,۷۴۷	۷,۳۸۸	۱۳/۶۰	۲۳,۰۷۳	۶/۴	۳۰/۲۱
۸۴	۱۹/۳	۱۲/۷۹	۹,۰۴۲	-۱۸۴	۴۰/۰۰	۲۴,۲۶۴	۶/۹	۳۴/۳۲
۸۵	۲۰/۵	۱۶/۱۰	۹,۲۲۶	-۴,۳۸۳	۳۳/۲۰	۲۳,۵۱۴	۶/۶	۳۹/۴۳
۸۶	۲۲/۱	۱۶/۴۳	۹,۳۵۸	-۱۴,۱۶۵	۱۴/۶۰	۲۸,۶۴۷	۶/۷	۲۷/۷۳
۸۷	۲۷/۲	۱۷/۶۷	۹,۶۷۷	-۹,۵۹۶	۱۶/۲۰	۲۱,۵۰۲	۲/۵	۱۵/۹۰
۸۸*	۱۹/۸	-۲۱/۱۲	۱۰,۰۸۷	-۱۲,۰۶۷	-۱۴/۲۰	۲۲,۴۱۵	۱/۹	۱۳/۴۰

* آمارهای سال ۸۸ پیش‌بینی واحد تحقیقات «اقتصاد ایران» است. منبع: واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»

